



شیعه پیشگام در سیره نگاری جایگاه جابر بن عبدالله انصاری در سیره نگاری

پدیدآورده (ها) : هدایت پناه، محمد رضا
تاریخ :: مطالعات تاریخ اسلام :: زمستان 1392، سال پنجم - شماره 19 (علمی-پژوهشی)
از 205 تا 235
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1052235>

دانلود شده توسط : محمد صادق غلامی
تاریخ دانلود : 09/02/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



شیعه پیشگام در سیره‌نگاری جایگاه جابر بن عبدالله انصاری در سیره‌نگاری

محمد رضا هدایت پناه¹

چکیده: دانش سیره‌نگاری به دلیل آن که برای مسلمانان اهمیت بسیاری یافت، توجه همه گروه‌ها و شخصیت‌ها را به خود جلب کرد. در این میان، صحابه رسول خدا (ص) که خود حاضر و ناظر در حوادث دوران رسالت بودند نخستین گروه و مرجعی بودند که به عنوان منبع و مأخذ دریافت آگاهی‌های مربوط به این دوره، مورد توجه قرار گرفتند. اما بدیهی بود که همه آنان در یک رتبه نبودند و برخی از آنان در این زمینه برتری داشتند. با این حال مسائل سیاسی، اجتماعی و فکری جامعه مسلمانان نیز در امر انتقال این آگاهی‌ها به نسل بعدی مؤثر افتاد و موضوع اخبار دوران رسالت را با پیچیدگی‌ها مواجه کرد. در این میان، شخصیت جابر بن عبدالله انصاری از چهره‌های مشهور صحابه، در این عرصه اهمیت بسیار دارد. هم به لحاظ صحابی بودن و هم حضور فعال در حوادث دوران رسالت و هم دانش وسیع او در عرصه حدیث، فقه، تفسیر و سیره‌نویسی و مهم‌تر توجه خاص اهل بیت (ع) به وی، به دلیل آن که او توفیق درک محضر پنج امام را یافت. همه این‌ها و عواملی دیگر سبب شده تا جابر در عرصه‌های مختلف از جمله دانش نبوی از جایگاه ممتازی برخوردار شود و علاوه بر صحابه، بر بسیاری از تابعین نیز تقدم یابد. این مقاله بر آن است تا جایگاه او را در دانش سیره‌نویسی تبیین نماید و به این نتیجه برسد که جابر به عنوان صحابی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نخستین سیره‌نگار بوده است.

واژه‌های کلیدی: جابر بن عبدالله انصاری، سیره نبوی، سیره نویسان، صحابه، تابعین، عایشه،

عرو بن زبیر

1 استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه Hedayatp@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: اسفند 1391، تاریخ تأیید: اردیبهشت 1392

The Role of Djābir b. Abd Allah Ansāri as Shi'ite Pioneer in compiling *Sirā*

Muhammad-Reza Hedāyat Panāh¹

Abstract: Companions of Prophet (*Sahāba*) as the closest persons to him were used as the most frequent references in compiling *Sirā*. So, political and social ups and downs of early Islamic period had a great effect on the transmission of *Sirā* narratives. Djābir b. Abd Allah Ansāri, as a close companion to the prophet and five *Imāms*, is an important character in Medina society and as a great scholar in hadīth and *fiqh*, played a prominent role in compiling *Sirā*. This research analyzes his role as the first *Sirā* compiler in Islamic history.

Keywords: Djābir b. Abd al Allah Ansāri, *Sirā*, Companions of Prophet (*Sahāba*), A'isha, Urwa b. Zubayr

1 Assistant Professor of, Research Institute of Hawah and University Hedayatp@rihu.ac.ir

مقدمه

تاریخ‌نگاری مسلمانان با ثبت سیره یعنی هر آنچه به پیامبر(ص) مربوط بوده به صورت حدیث آغاز شده است. از این رو دانش سیره و حدیث به هم گره خورده، بنابر تعریف مزبور باید حدیث را نه دانش مصطلح، بلکه صورت و ساختاری برای سیره دانست که از هم تفکیک ناپذیرند. بدیهی است که خاستگاه این حرکت علمی، شهر مدینه است که بسیاری از حوادث صدر اسلام را در خود جای داده و کانون اجتماع بسیاری از مسلمانان بود. تعیین افرادی که به درستی در عصر صحابه بازگو کنند اخبار سیره (به صورت تدریس سیره) بودند بسی مشکل است، اما با بررسی سلسله روایات سیره‌نویسان بعدی و تعیین راوی اصلی، می‌توان حدس زد که چه افرادی از صحابه و تابعین به این امر توجه و اشتغال بیشتری داشته‌اند. به طور مثال در طبقه صحابه، عایشه و جابر بن عبدالله انصاری و ابن عباس را می‌توان گفت که از این دسته بودند. اما امتیازاتی که جابر دارد بدون شک عایشه و حتی ابن عباس فاقد آن‌ها است و از این رو پیشگامی و نقش مؤثر جابر در ثبت سیره گویان و سیره‌نویسان محرز است.

این موضوع بستگی دارد که متخصص سیره را چه بدانیم و در چه مقیاسی آن را تعریف کنیم. آیا منظور از این اصطلاح کسی است که چند روایاتی در این حوزه دارد یا آن که نه تنها باید اشتغال کامل به آن داشته باشد، بلکه کرسی تدریس سیره داشته و حتی سیره نویس هم باشد؟ اگر سیره‌گویی منظور باشد ممکن است هر کسی به صرف نقل دو یا سه روایت، سیره‌گو تلقی شود، اما به یقین، چنین افرادی مصداق تعریف عرفی و اصطلاحی سیره‌گو و به طریق اولی سیره‌نویس قرار نمی‌گیرند. اگر اشتغال به بیان سیره نبوی و سیره‌نویسی منظور باشد، در بعد تاریخ شفاهی باید کسی باشد که به نقل این بخش از روایات اشتغال داشته و در این زمینه از آن مقدار شهرت برخوردار باشد که مورد توجه نسل بعدی برای اخذ روایات سیره قرار گرفته باشد. این امر از تعداد روایات منقول اشخاص در کتب سیره و یا تصریح مورخان به این امر قابل تشخیص است.

از بعد تدوین و سیره‌نویسی نیز - صرف نظر از بقا و یا فنای آثار - حداقل، کسانی را شامل می‌شود که گزارش‌های قابل توجهی از حوادث صدر اسلام اعم از مکی و یا مدنی نوشته و منبع سیره‌نویسان بعدی قرار گرفته باشند. بدیهی است باید توجه داشت که دوره‌های هر دانشی را با توجه به سیر تکوین و تطور آن نمی‌توان یکسان مقایسه کرد.

بنابراین، آیا آن گونه که در کتب تراجم و فهرست، عمرو بن زبیر و یا موسی بن عقبه و برخی افراد دیگر را در عرصه دانش سیره نبوی به عنوان «پیشگام» این دانش معرفی کرده‌اند به حقیقت نیز چنین است و آیا بررسی‌ها و گزارش‌های متون سیره نبوی چنین مطلبی را نشان می‌دهد؟ توجه داشته باشیم که بحث بر سر نادیده انگاشتن تلاش کسانی نیست که در دوره‌های بعد در دانش سیره نبوی - با هر انگیزه‌ای - گام‌های بلند و موثری برداشتند، بلکه بحث بر سر نادیده انگاشتن زحمات پیشینیان و کسانی است که حتی فضای سیاسی و اجتماعی مناسبی در اختیار آنان نبود تا آن گونه که سزاوار بود دانش خود را به نسل‌های بعدی انتقال دهند. در این مقاله پس از معرفی کوتاهی در باره شخصیت جابر، به نقش و جایگاه وی در دانش سیره نبوی و مقایسه او با سیره‌نگاران تا نزدیک به نیمه سده دوم پرداخته خواهد شد.

شخصیت جابر

ابو عبدالله، جابر بن عبدالله بن عمرو انصاری، از تیره بنو سلمه از قبیله خزرج است.¹ تولد او را سال 16 قبل از هجرت² و سن او را در حادثه بدر 18 سال نوشته‌اند.³ او در حالی که بسیار کوچک بود⁴ از جمله هفتاد نفری است که به همراه پدرش در پیمان عقبه دوم⁵ و یا هر دو عقبه⁶ حضور داشت. جابر به دلیل این که پدرش او را برای سرپرستی بر نه خواهرش گماشت، نتوانست در بدر و احد شرکت کند.⁷ اما بسیاری از مورخان کهن و متأخر حضور او را در احد تأیید

1 عبدالله بن محمد بغوی (1421)، معجم الصحابه، تحقیق محمد الامین الجکنی، ج 1، کویت: مکتبه دار البیان، ص 438. علی بن محمد بن اثیر (1415)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تحقیق عادل احمد الموجود و دیگران، ج 1، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 492.

2 خیر الدین زرکلی (1410 ق)، الاعلام، ج 2، بیروت: دار العلم للملایین، ص 104.

3 شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (1413 ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنؤوط و حسین الاسد، ج 3، بیروت: مؤسسه الرساله، ص 191.

4 سلیمان بن احمد طبرانی [بی تا]، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، ج 2، قاهره: مکتبه ابن تیمیّه، ص 182؛ ابن عساکر، علی بن الحسن (1415)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شبیری، ج 11، بیروت: دار الفکر، ص 219.

5 عبدالله بن مسلم بن قتیبه [بی تا]، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: دار المعارف، ص 307؛ احمد بن عبدالله ابونعیم (1419 ق)، معرفه الصحابه، تحقیق عادل بن یوسف العزازی، ج 2، ریاض: دار الوطن للنشر، ص 529؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر (1415)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق عادل احمد الموجود و دیگران، ج 2، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 293.

6 محمد بن حبان (1411 ق)، مشاهیر، تحقیق مرزوق علی ابراهیم، [بی جا]: دار الوفاء، ص 30.

7 برای اطلاع از نظر خود جابر در این باره، ر.ک: خلیفه بن خیاط (1414 ق)، تاریخ خلیفه، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، ص 42؛ ابن عبدالبر (1415 ق)، همان، ج 2، ص 293؛ ابن اثیر (1415 ق)، همان، ج 1، ص 492؛ احمد بن علی بن حجر (1415 ق)،

الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد الموجود و دیگران، ج 1، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 546.

کرده‌اند،¹ ولی ابن سعد² به نقل از واقدی، چنین مطلبی را توهمی از سوی رومیان عراقی چون اعمش می‌داند. با این حال جابر را در شمار اصحاب بدری شرکت کننده در جنگ صفین نام برده‌اند.³ جابر در بسیاری از غزوات و سریه‌ها شرکت فعال داشته است. رسول خدا (ص) در یکی از غزوات (ظاهراً مریسیع) شتر جابر را خرید و برای جابر بیست و پنج بار طلب آمرزش کرد.⁴ درخواست کاغذ و قلم در آخرین لحظات عمر پیامبر (ص) و امتناع برخی از اصحاب از جمله عمر و کلام بد او، آخرین مشاهده جابر از حوادث عصر رسالت گزارش شده است.⁵ پس از وفات پیامبر (ص) و داستان سقیفه، وی در کنار امیرالمؤمنین (ع) بود.⁶ ابن قدامه⁷ نیز از منظر افکار امامیه، او را در شمار سلمان و مقداد و ابوذر و عمار قرار داده که پس از پیامبر (ص) مرتد نشده و به علی (ع) معتقد بودند. عمر او را عریف (علی القاعده، قوم خود یعنی بنو سلمه) کرد.⁸ در جنگ یرموک (سال 15)،⁹ قادسیه،¹⁰ دمشق و مصر نیز حضور داشت و مصریان حدود ده حدیث از او نقل کرده‌اند.¹¹

- 1 محمدبن اسماعیل بخاری [بی تا]، *التاریخ الکبیر*، تحقیق محمد عبدالمعیدخان، ج 2، بیروت: دارالفکر، ص 207؛ عمروابن ابی عاصم (1411ق)، *الأحادیث و المثنانی*، تحقیق باسم فیصل احمد جواهره، ج 4، [بی جا]، دار الدرایه، ص 69؛ محمدابن حبان (1411ق)، *مشاهیر علماء الامصار*، تحقیق مرزوق علی ابراهیم، [بی جا]، دار الوفاء، ص 30؛ بغوی (1421ق)، همان، ج 1، صص 439-440؛ محمدبن عبدالله حاکم (1406ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف المرعشلی، ج 3، بیروت: دار المعرفه، ص 565؛ ابونعیم (1419ق)، همان، ج 2، ص 530؛ محمدبن حسن طوسی (1415ق)، *الرجال*، تحقیق جواد القیومی، قم: جامعه‌المدرسین، ص 31؛ محمدبن حسن طوسی (1414ق)، *الامالی*، تحقیق مؤسسه البعثه، قم: دارالتفاهه، ص 500؛ ابن عساکر (1415ق)، همان، ج 11، ص 214؛ ابن اثیر (1415ق)، همان، ج 1، ص 493.
- 2 احمدبن عبدالله ابونعیم (1406ق)، *دلائل النبوه*، تحقیق محمد رواس قلعه جی و عبدالبر عباس، ج 12، بیروت: دارالنفائس، ص 530؛ حاکم نیشابوری (1406ق)، همان، ج 3، ص 565.
- 3 ابن اثیر (1415ق)، همان، ج 1، ص 493؛ عبدالحسین امینی (1397ق)، *الغدیر*، ج 9، بیروت: دار الکتب العربی، ص 363.
- 4 حاکم نیشابوری (1406ق)، همان، ج 3، ص 565؛ احمدبن شعیب نسائی (1411ق)، *السنن الکبری*، تحقیق عبد الغفار سلیمان بنداری و سیدحسن کسروی، ج 5، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 69؛ محمدبن عیسی ترمذی (1403ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق عبدالوهاب عبد اللطیف، ج 5، بیروت: دارالفکر، ص 354.
- 5 علی بن موسی بن طاووس (1413ق)، *الیقین*، تحقیق الانصاری، قم: مؤسسه دار الکتب، صص 521-522.
- 6 محمدبن حسن طوسی (1404ق)، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق سید مهدی رجائی، ج 1، قم: مؤسسه آل البیت، ص 182؛ حسن بن یوسف حللی (1402ق)، *خلاصة الاقوال*، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، قم: منشورات الرضی، ص 94.
- 7 عبدالله بن قدامه مقدسی [بی تا]، *المغنی*، تحقیق جماعة من العلماء، ج 5، بیروت: دار الکتب العربی، صص 126-127.
- 8 عریف که جمع آن عرفاء است به کسی گویند که به تدبیر امور قوم و قبیله خود مانند تقسیم اموال میان آنان می پردازد و منصبی پایین تر از رئیس قبیله بوده است. مانند منصب نقیب و نقابت. ر.ک: محمدبن سعد (1410ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، ج 6، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 152؛ محمد بن جعفر طبری (1387ق)، *تاریخ الطبری*، ج 4، ص 49؛ مبارک بن محمدبن اثیر (1364ش افسست)، *النهایه فی غریب الحدیث*، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، ج 3، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ص 218؛ شرح نهج البلاغه، همان، ج 9، ص 154.
- 9 محمدبن عمر واقدی (1417ق)، *فتوح الشام*، تحقیق عبداللطیف عبدالرحمن، ج 1، بیروت: دار الکتب العلمیه، صص 158-174.
- 10 مالک بن انس (1407ق)، *المدونة الکبری*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ج 2، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص 308.
- 11 عبدالرحمن بن عبدالله ابن عبدالحکم (1416ق)، *فتوح مصر و اخبارها*، تحقیق محمد الحجیری، بیروت: دارالفکر، ص 458 جلال الدین سیوطی (1418ق)، *حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهره*، تحقیق خلیل منصور، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 144.

جابر و اهل بیت (علیهم السلام)

شیخ طوسی¹ او را در شمار اصحاب پیامبر (ص)، امیر المؤمنین (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) نام برده و این موضوع گویای تشیع امامی او است. مسعودی² جابر را در فهرست شیعیان اهل بیت (ع) نام برده‌اند. کثی³ روایات زیادی در مدح جابر آورده که نشان از جایگاه رفیع او دارد. از اخبار بر می‌آید که جابر مانند سلمان با رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) مراد بسیار نزدیک داشته است به طوری که رسول خدا (ص) او را از اهل بیت (ع) شمرده و میزان دوستی و دشمنی با خدا قرار داده است.⁴ پیامبر (ص) او را همراه خود به خانه حضرت فاطمه (س) می‌برد.⁵ جابر راوی صحیفه فاطمی است که در آن به اسامی امامان شیعه تصریح شده و به «خبر لوح» معروف است.⁶ همچنین منشأ روایت مشهوری که پیامبر (ص) وعده دیدار جابر را با امام باقر (ع) داده، در حقیقت زمانی بوده که رسول خدا (ص) اسامی امامان معصوم را برای جابر نام می‌برده است.⁷ روایات متعددی که از او در باره امامان معصوم و این که از نسل فاطمه زهرا (س) خواهند بود به ویژه موضوع مهدویت از مشخصه‌های روایات جابر گشته است.⁸ او در روایت دیگری ویژگی‌های مخصوص هر یک از امامان معصوم را از پیامبر (ص) روایت کرده است.⁹ حتی بنا بر نقل خود جابر در باره خلافت، ده بار از رسول خدا (ص) پرسید تا این که

- 1 محمد بن حسن طوسی (1415ق)، الرجال، تحقیق جواد القیومی، قم: جامعه المدرسین، صص 12، 37، 66، 72، 85، 111.
- 2 علی بن الحسین مسعودی [بی تا]، التنبیه و الاشراف، تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، ص 198.
- 3 طوسی (1404ق)، همان، ج 1، ص 205.
- 4 محمد بن محمد مفید (1413ق)، الإختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، صص 222-223؛ محمد باقر مجلسی (1403ق)، بحار الانوار، ج 22، بیروت: مؤسسة الوفاء، ص 347.
- 5 محمد بن یعقوب کلینی (1363ش)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج 5، تهران: دار الکتب الاسلامیه، صص 528-529.
- 6 کلینی (1363ش)، الکافی، ج 1، صص 527 و 532؛ محمد بن علی صدوق [بی تا]، کمال الدین، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین، باب 28، ص 308؛ محمد بن محمد مفید (1413ق)، الإرشاد، تحقیق مؤسسه آل البيت، ج 2، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ص 346؛ محمد بن حسن طوسی (1411ق)، الغیبه، تحقیق عباد الله الطهرانی و شیخ علی احمد الناصح، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه، صص 139 و 178.
- 7 بنگرید: کلینی (1363ش)، همان، ج 1، ص 527؛ علی بن بابویه قمی [بی تا]، الامامه و التبصره، قم: مدرسة الامام المهدي، ص 103؛ صدوق [بی تا]، ج 3، ص 253؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم [بی تا]، الغیبه، تهران: مكتبة الصدوق، ص 70.
- 8 بنگرید: احمد بن محمد اشعری قمی (1408ق)، النوادر، قم: مؤسسة الامام المهدي، ص 82؛ احمد بن عبيدالله جوهری [بی تا]، مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، قم: مكتبة الطباطبائي، ص 9؛ محمد بن احمد بن شاذان قمی (1407ق)، مائة منقبة، تحقیق محمد باقر بن مرتضی الموحّد الاطحی، قم: مؤسسة الامام المهدي، ص 25؛ مفید، الإرشاد، ج 6، ص 234؛ طوسی (1411ق)، الغیبه، ص 178؛ ابن طاووس (1411ق)، همان، ص 495.
- 9 محمد بن علی بن شهر آشوب (1376ق)، مناقب آل أبي طالب، تحقیق لجنة من اساتذة النجف الاشراف، ج 1، نجف: مكتبة الحيدريه، 251.

علی (ع) را معرفی نمود¹ و در پاسخ به سؤال جابر در باره تعداد امامان، رسول خدا (ص) آنان را دوازده تن همانند دوازده چشمه حضرت موسی تشبیه و بیان فرمود.² مصاحبت او پس از رسول خدا (ص) با شش معصوم، جابر را از برجسته ترین اصحاب امامان شیعه نموده که طبعاً یکی از علل مهم اندوخته‌های زیاد و خاص علمی او بوده است.

جابر را از معتقدین به خلافت بلافصل علی (ع)، و از انصار بیعت کننده با آن حضرت پس از سقیفه³ و از اصفیاء و شرطه الخمیس بر شمرده‌اند.⁴ او در جنگ‌های جمل،⁵ صفین⁶ و نهروان⁷ در کنار علی (ع) حضور داشت. از جابر روایات زیادی در فضائل علی (ع) وارد شده.⁸ مناقبی که او نقل کرده از دیدگاه یک سنی حتی اعتدالی، گرایش شیعی از نوع افراطی را برای گوینده آن ثابت می‌کند. نمایه کلی این فضایل، پیرامون ولایت امامان شیعه و حتی مهدویت و جایگاه و مقام خاص آنان است که هیچ کس در میان مسلمانان تا روز قیامت به رتبه و منزلت آنان نمی‌رسد.⁹ عشق او به اهل بیت (ع) چنان بود که با کھولت سنی که داشت از این که در برابر انس بن مالک و بزرگان قریش و انصار، خود را به خاک پای امام حسین (ع) بیاندازد ابایی نداشت

- 1 محمد بن محمد مفید (1413ق)، الامالی، تحقیق علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ص 168؛ محمد بن حسن طوسی (1414ق)، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، ص 190.
- 2 علی بن موسی بن طاووس (1413ق)، التحصين لاسرار ما زاد من اخبار كتاب اليقين، تحقیق الانصاری، قم: مؤسسه دار الكتاب الجزائري، ص 570؛ همو (1413)، همان، ص 245.
- 3 طوسی (1404ق)، همان، ج 1، ص 182.
- 4 محمد بن محمد مفید (1413)، الجمل، تحقیق سید علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ص 105؛ عبد الحمید ابن ابی الحدید (1378)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج 20، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه، ص 221.
- 5 حسن بن علی ابن شعبه حرانی (1404ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، صص 186-188.
- 6 ابن عبدالبر (1415ق)، همان، ج 2، ص 293.
- 7 محمد بن علی صدوق (1404ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، ج 1، قم: جماعة المدرسين، ص 232؛ حسن بن یوسف حلّی (1410ق)، نهیة الاحکام، تحقیق سید مهدی الرجائی، ج 1، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ص 355.
- 8 ر.ک: حسین واثقی (1378)، جابر بن عبدالله انصاری حیاته و مسنده، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، صص 168-321.
- 9 برای نمونه ر.ک: محمد بن احمد بن شاذان قمی (1407ق)، همان، ص 25؛ محمد بن سلیمان کوفی (1412ق)، مناقب امیر المؤمنین (ع)، تحقیق محمد باقر محمودی، ج 1، قم: مجمع الثقافة الاسلامیة، صص 211، 359، 475؛ محمد بن علی صدوق (1417ق)، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ص 149؛ قاضی نعمان مصری (1412ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، ج 1، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص 422؛ طوسی (1414)، همان، صص 79، 282؛ محمد بن علی عمادالدین طبری (1420ق)، بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص 44؛ عمرو ابن ابی عاصم (1413ق)، کتاب السنة، تحقیق محمد ناصرالدین البانی، بیروت: المکتب الاسلامی، ص 590.

و چون اعتراض به او شد، از مناقب امام حسن (ع) و امام حسین (ع) روایت کرد.¹ سیدالشهداء (ع) در روز عاشورا پس از بیان جایگاه خود نسبت به رسول خدا (ص) از آنان خواست چنانچه به سخنان او اطمینان ندارند از اصحابی چون جابر بن عبدالله انصاری پرسند.² شیخ مفید³ و طوسی،⁴ جابر را نخستین زائر قبر امام حسین (ع) نام برده و متنی که به عنوان زیارتنامه او نقل شده معرفت و اعتقاد عمیق او را نسبت به اهل بیت نشان داده است. در روایتی، امام باقر (ع) وثاقت⁵ و شفاعت جابر را تأیید و ضمانت کرده است.⁶ امام صادق (ع) جابر را از خواص اهل بیت (ع)⁷ و از جمله هفت نفری شمرده که به آیه مودت وفا کردند که پس از شهادت امام حسین (ع) بر اعتقاد به اهل بیت باقی ماند.⁸ همچنین امام صادق (ع)، دوستی کسانی چون جابر را واجب شمرده است.⁹ در واقعه حرّه که برخی از اصحاب پیامبر (ص) چون ابوسعید خدری در خانه خود پنهان شده بودند، جابر به همراه پسرش محمد در کوچه‌های مدینه به راه افتاد و با بیان روایت پیامبر (ص) که هر کس مردم مدینه را بترساند مرا ترسانده، امویان را مورد مؤاخذه قرار داد. او را زخمی کردند و خواستند بکشند، اما مروان نگذاشت.¹⁰ پس از شهادت امام حسین (ع) جابر نخستین کس از اصحاب امام سجاد (ع) بود و در نماز به امام اقتدا می کرد و به دعا‌های آن حضرت آمین می گفت.¹¹ دیدار او با امام باقر (ع) و ابلاغ سلام رسول خدا (ص) به آن حضرت از اخبار مشهور است. از امام صادق (ع) روایت شده است که جابر در مسجد النبی (ص) می نشست و پیوسته صدا می زد: ای باقر (شکافنده) علم! ای باقر علم! مردم مدینه او را به دلیل کهولت سن، هذیان گو می خواندند، ولی او می گفت: من هذیان نمی گویم، بلکه رسول خدا (ع) به من وعده دیدار فرزندگی

1 طوسی (1414)، همان، صص 500-501.

2 مفید، محمد بن نعمان (1413ق)، همان، ج 1، ص 97.

3 محمد بن محمد بن نعمان مفید (1414ق)، مسار الشیعه، تحقیق مهدی نجف، بیروت: دار المفید، ص 46.

4 محمد بن حسن طوسی (1411ق)، مصباح المتجهد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ص 787.

5 کلینی (1363ش)، همان، ج 7، ص 114.

6 محمد تقی شوشتری (1415ق)، قاموس الرجال، ج 2، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص 516.

7 کلینی (1363ش)، همان، ج 1، ص 469؛ مفید (1413)، الاختصاص، ص 62.

8 عبدالله بغدادی حمیری (1413ق)، قرب الاسناد، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم: مهر، ص 38؛ مفید، اختصاص، ص 63.

9 محمد بن علی صدوق [بی تا]، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین، صص 603-610.

10 ابن فتنیه عبدالله بن مسلم (1413ق)، الامامة والسیاسة، تحقیق علی شیری، ج 1، قم: منشورات شریف رضی، ص 236.

ابن ابی عاصم (1411)، الاحاد و المثانی، ج 3، صص 391-392.

11 ر.ک: صحیفه السجادیه (1411ق)، ص 309، دعای 144؛ علی بن موسی بن طاووس (1414ق)، اقبال الاعمال، تحقیق جواد

القیومی الاصفهانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی؛ ابن طاووس، اقبال، صص 488-789.

از اهل بیت (ع) را داده که نام و شمائل او چون رسول خدا (ص) است.¹ بر اساس این روایات پس از این ماجرا، جابر به خانه امام باقر (ع) می‌رفت و کسب علم می‌نمود و این امر موجب تعجب و اعتراض مردم مدینه شده و می‌گفتند: صحابی پیامبر (ص) از این بچه آموزش می‌بیند. پس از شهادت امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) به احترام جابر به خانه او می‌رفت و برای این که روایت آن حضرت مقبول بیفتد هر آنچه می‌خواست از رسول خدا (ص) نقل کند به روایت از جابر استناد می‌داد.²

جایگاه علمی جابر

روایات مختلف وی در علوم گوناگون، جامعیت علمی او را در زمینه‌های فقه، تفسیر، تاریخ و کلام نشان می‌دهد. جابر را از فقهای صحابه³ و ابن حزم⁴ و ذهبی⁵ او را از فتوا دهندگان زمان خود در مدینه دانسته‌اند. صحیفه جابر مشهور است.⁶ همچنین ذهبی برای او کتاب کوچکی نیز در باب مناسک حج نام برده است.⁷

وی از شخصیت‌هایی است که فقهای شیعه و سنی به احادیث و آراء فقهی او توجه و عنایت کامل داشته و در منابع فقهی به وفور بدان‌ها استناد کرده‌اند. او را از طبقه نخست مفسران از اصحاب رسول الله (ص) نام برده‌اند که اهل سنت، کتاب تفسیری ناتمامی از جابر دارند.⁸ علامه طباطبائی او را از صحابه‌ای که پس از رحلت پیامبر (ص) به تفسیر اشتغال داشته‌اند معرفی کرده است.⁹ سید محسن امین نیز او را از مفسران بزرگ نام برده است.¹⁰ جابر از مشایخ ابو حمزه ثمالی در دو کتاب مسند و تفسیر او است. آراء تفسیری او¹¹ شاهدهی بر چنین جایگاهی برای او است. از جمله روایات تفسیری

- 1 کلینی (1363ش)، همان، ج 1، صص 469-470 مفید (1413)، الاختصاص، ص 62.
- 2 کلینی (1363ش)، همان، ج 1، صص 469-470 طوسی (1404)، همان، ج 1، ص 220.
- 3 سلیمان بن خلف باجی [بی تا]، التعديل والتجريح، تحقیق احمد البزار، ج 1، مراکش: وزارة الاوقاف، ص 455.
- 4 علی بن احمد بن حزم (1415)، اصحاب الفتيا من الصحابة والتابعين، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 46.
- 5 ذهبی (1413)، همان، ج 3، ص 190.
- 6 ر.ک: ادامه نوشتار.
- 7 شمس الدین محمد بن احمد ذهبی [بی تا]، تذکرة الحفاظ، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، ج 1، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 43.
- 8 حسین واثقی (1378ش)، همان، صص 75-76.
- 9 ر.ک: علی اکبر بابایی (1387)، تاریخ تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی (ره)، ص 138.
- 10 سید محسن امین (1403ق)، اعیان الشیعه، ج 4، بیروت: دار التعارف، ص 46.
- 11 برای نمونه ر.ک: عبدالرحمان بن یونس (1421ق)، تاریخ المصریین، عبدالفتاح فتحی عبدالفتاح، ج 1، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 159؛ ابوبکر احمد ابن ابی خثیمه (1424ق)، التاریخ الکبیر، تحقیق صلاح بن فتحی هلال، ج 2، قاهره: الفاروق الحدیثه، ص 147؛ محمد بن اسماعیل بخاری (1401ق)، صحیح البخاری، ج 5، بیروت: صص 170-171؛ بخاری، همان، ج 6، صص 74-75؛ عمرو بن ابی عاصم (1411ق)، الاوائل، تحقیق محمود محمد محمود حسن نصار، بیروت: دار الجیل، ص 67؛ شاذان بن جبرئیل قمی (1381)، الفضائل، نجف: مکتبه الحیدریه، ص 138؛ ابن شهر آشوب (1376ق)، همان، ج 2، ص 276.

او داستان مباحله و تفسیر جابر بر این که آیه مباحله در حق پنج تن آل عبا است¹ و نیز ردّ تفکر منکرین شفاعت با تفسیر صحیح آیات قرآن و بیان شأن نزول آنها است.²

جابر را یکی از پرگوینده ترین احادیث رسول خدا (ص) و حافظ سنن نبوی بر شمرده اند.³

احادیث او را 1540 حدیث شماره کرده اند.⁴ شمار احادیث مسند او در صحیح بخاری نمود حدیث⁵ و صحیح مسلم 184 حدیث است.⁶ احمد بن حنبل در مسند خود بیش از صد صفحه⁷ و این کثیر دو جلد از جامع المسانید (ج 24 و 25) خود را به روایات جابر اختصاص داده اند. موقعیت علمی او را با ابن عباس و عبدالله بن عمر چنان گفته اند که همانند آن دو، گروه زیادی از شاگردان اش همیشه دور او بوده و حرکت می کردند.⁸ به جز امام باقر (ع)،⁹ بسیاری از بزرگان تابعین، مانند عرو بن زبیر، سعید بن مسیب، ابو زبیر مکی، عطاء بن ابی رباح، مجاهد، شعبی و حسن بصری نیز از او روایت کرده اند.¹⁰ علمای شیعه با عبارات مختلف در توثیق و جلالت او نیز سخن گفته اند.¹¹

وفات جابر

صحابه نگاران گویند او در سن 74 یا 85 یا 94 و 97 سالگی در مدینه و در سال 68، 73، 74، 76، 77، 78، 79 و یا 99 در گذشت،¹² ولی مشهور، 78 را سال وفات او دانسته اند و تصحیف «سبعین»

- 1 احمد بن عبدالله ابونعیم (1406ق)، همان، صص 353-354؛ علی بن موسی بن طاووس (1399ق)، الطرائف فی معرفة الطوائف، قم: انتشارات خیام، ص 46.
- 2 ابن کثیر [بی تا]، همان، ج 24، صص 168-169 و نیز رک: ابن ابی عاصم (1413ق)، همان، ص 390.
- 3 ابن عبدالبر (1415ق)، همان، ج 2، ص 293؛ ابن اثیر (1415ق)، همان، ج 1، ص 493؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد [بی تا]، تذکرة الحفاظ، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، ج 1، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 43.
- 4 علی بن احمد بن حزم (1412ق)، اسماء الصحابه، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص 41؛ عبدالرحمن بن جوزی [بی تا]، تلخیص فہوم اهل الاثر، قاهره: مکتبة الآداب، ص 636.
- 5 احمد بن علی بن حجر (1408ق)، مقدمه فتح الباری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص 475.
- 6 ذهبی (1413ق)، همان، ج 3، ص 194.
- 7 احمد بن حنبل [بی تا]، المسند، ج 3، بیروت: دار صادر، صص 292-400.
- 8 ابونعیم (1409ق)، همان، ج 2، ص 530.
- 9 برای نمونه رک: ابن ابی خثیمه (1424ق)، همان، ج 2، صص 20 و 38؛ حمیری (1413ق)، همان، ص 110.
- 10 ابونعیم (1409ق)، همان، ج 2، صص 531-533؛ ابوالحجاج یوسف مزّی (1414ق) تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق سهیل ذکار، ج 4، بیروت: دار الفکر، صص 444-448؛ ابن اثیر (1415ق)، همان، ج 1، ص 493؛ ذهبی (1413ق)، همان، ج 3، صص 189-190. فهرست راویان جابر را بنگرید: وافقی، حسین (1378ش)، صص 81-88.
- 11 بنگرید: حلی (1402)، خلاصة الاقوال، ص 34؛ عبدالله مامقانی (1424)، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محیی الدین مامقانی، ج 1، قم: مؤسسه آل البيت، ص 200.
- 12 دینوری (1960م)، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، دار احیاء الکتب العربی، صص 316 و 328؛ ابن حبان (1411ق)،

به «تسعین» و خلط سال وفات و سن، از عوامل این اختلاف است.¹ او را آخرین صحابی دانسته‌اند که در مدینه از دنیا رفت.² بغوی،³ ابن قتیبه⁴ و ابن ابی عاصم⁵ این مطلب را رد کرده و آخرین فرد را سهل بن سعد ساعدی دانسته‌اند. ابونعیم⁶ و ذهبی⁷ نیز به اعتبار اصحاب عقبه او را آخرین صحابی در مدینه دانسته‌اند. مرگ او بر خلاف غالب صحابه‌نگاران، در مکه و قبا نیز نقل شده⁸ و قبر جابر را در بقیع گفته‌اند، اما فرزندان جابر خبر داده‌اند که او را در قبرستان بنو سلمه دفن کرده‌اند.⁹ این قبرستان واقع در غرب مدینه و دارای فضایی است.¹⁰

جایگاه جابر در دانش سیره نبوی

چنان که دانسته شد جابر افزون بر تخصص در علوم مختلف فقه، تفسیر و علوم قرآن و کلام و حدیث، روایات بسیار زیادی در سیره و مغازی رسول الله (ص) دارد که نه تنها نشان از تدریس و تخصص جابر در این زمینه دارد، بلکه به احتمال قریب به یقین باید وی دارای نوشته‌هایی در باب سیره نبوی بوده باشد که در ادامه دلایل این مطلب خواهد آمد. ابن عقیل¹¹ گوید: به همراه امام باقر (ع) نزد جابر می‌رفتیم و از اخبار رسول خدا (ص) جویا می‌شدیم و هر آنچه را می‌شنیدیم می‌نوشتیم.¹² دقت در برخی تعابیر سیره نویسان مانند واقدی نیز گویای تدریس او است. برای نمونه واقدی با «قال جابر» گویا نشان داده که از روی متن و دست نوشته‌ای گزارش جابر را آورده که سند

ص 58؛ علی بن الحسین مسعودی (1409ق)، مروج الذهب، ج 3، قم: مؤسسه دارالهجره، ص 115؛ ابن جوزی [بی‌تا]، همان، ص 145؛ ابن عبدالبر (1415ق)، همان، ج 2، ص 293؛ ابن اثیر (1415ق)، همان، ج 1، ص 494؛ ابن حجر (1415)، همان، ج 1، ص 547؛ خلیفه بن خیاط (1414)، همان، ص 172؛ طوسی (1415)، همان، صص 31-32؛ بغوی (1421ق)، همان، ج 1، ص 447؛ ابونعیم (1419ق)، همان، ج 2، ص 530-531.

- 1 ابن عساکر (1415ق)، همان، ج 11، صص 238-240.
- 2 ابن عساکر (1415ق)، همان، ج 11، ص 239؛ ابن حجر (1415)، همان، ج 1، ص 546.
- 3 بغوی (1421ق)، همان، ج 1، ص 447.
- 4 ابن قتیبه [بی‌تا]، همان، صص 307 و 341.
- 5 ابن ابی عاصم (1411ق)، الأحاد و المثانی، ج 4، ص 69.
- 6 ابونعیم (1419ق)، همان، ج 2، ص 529.
- 7 ذهبی (1413ق)، همان، ج 3، ص 189.
- 8 جلال الدین سیوطی (1410ق)، اسعاف المبطأ فی رجال الموطأ، تحقیق موفق فوزی جبر، بیروت: دار الهجرة، ص 23.
- 9 ابن عساکر (1415ق)، همان، ج 11، ص 237.
- 10 عمر ابن شبه نمیری (1410ق)، تاریخ المدینة المنوره، تحقیق حبیب محمود احمد، ج 1، قم: دارالفکر، صص 93-94.
- 11 عبدالله بن محمد. شرح حال او را بنگرید: ابوالحجاج یوسف مزی (1414ق)، ش 3543.
- 12 بغوی (1421ق)، همان، ج 1، صص 444-445.

نیاورده است.¹ شاهد این مطلب روایات دیگری است که با سند از جابر در ابتدای ماجرای آورده، ولی در متن با «قال جابر...» مطالب را پی گرفته است. مانند ص 395 - 398. عبارت «فکان جابر یحدث»² پس از ارائه دو سند به نقل از جابر نشان می‌دهد که جابر در حال تدریس بوده و آنان یا می‌شنیدند و یا می‌نوشتند و نیز مانند ص 1034، همین تعبیر را واقدی برای ابن عباس دارد.³

در میان روایان جابر در بخش گزارش‌های سیره نبوی شمار قابل توجهی از صحابه، فرزندان و نوادگان آنان هستند که گویای آگاهی فراوان جابر از حوادث و اخبار سیره بوده به طوری که مرجع و استادی برای صحابه و فرزندان و نوادگان آنان شده که خود و یا پدرانشان در حوادث و رویدادهای دوران رسالت بوده‌اند. علاوه بر این، برخی از روایان او از سیره گویان و سیره‌نویسان مشهورند که می‌توان شرحبیل بن سعد، عاصم بن عمر بن قتاده و شعبی ابو عمر عامر بن شراحیل کوفی را نام برد.

گزارش‌های او در باره حوادث دوران رسالت جسته و گریخته نیست، بلکه همپای حوادث سیره به خصوص ده ساله مدینه، گزارش‌های مفصل و بلندی از وی نقل شده که نشان می‌دهد وی به این امر اشتغال کامل داشته است. بر خلاف آنچه شایع است که عروه بن زبیر و یا موسی بن عقبه مولی آل زبیر نخستین سیره نگار بوده و معرفی شده‌اند، باید گفت که جایگاه جابر بن عبدالله انصاری به عنوان شخصیت شناخته شده از اصحاب رسول خدا (ص) در میان طبقه صحابه جایگاه ممتاز و پیشگامی در عرصه سیره نبوی است.

مقایسه گزارش‌های جابر با صحابه و در مرحله بعد تابعین، به خوبی پیشگامی جابر و ممتاز بودن او را به عنوان یک متخصص سیره نبوی نشان می‌دهد. این تخصص، ناشی از سه امر است: صحابی و مدنی بودن جابر، وقوع حوادث ده سال عصر رسالت در مدینه و اطراف آن و حضور فعال جابر در حوادث و نیز دشمنی و تلاش مغرضانه حاکمان اموی و علمای همسو با آنان چون عروه، با بنی‌هاشم و انصار در عرصه سیره نبوی و مقابله انصار با این سیاست.

بنابراین در دو بخش سیره گویی و سیره‌نویسی، از نظر قدمت و اعتبار کسی به رتبه جابر نمی‌رسد حتی عایشه. بخش نخست یعنی سیره گویی از روایات او به خوبی آشکار است و بخش

1 محمد بن عمر واقدی (1409ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، ج 1، بیروت: مؤسسة الاعلمی، صص 266 و 310 و 329 - 330 و 336.

2 واقدی (1409ق)، همان، ج 1، ص 471.

3 همان، ج 1، همان، صص 474 و 476.

دوم که شاید محل بحث باشد نیز روایات متعدد، حاکی و گویای داشتن نوشته‌هایی در سیره برای جابر است. این بحث را با نوشته‌های جابر و سپس مقایسه جابر با سیره گویان پی می‌گیریم.

صحیفه جابر

جابر از نویسندگان صحابه بوده و به نوشته‌های او تصریح شده است. مرحوم آیت الله میانجی در مکاتیب الرسول و نیز احمد عبدالرحمن الصویان و استاد محمدرضا جلالی برخی از اسنادی که این موضوع را کاملاً اثبات می‌کند آورده‌اند. این موضوع به طور خلاصه از منابع مزبور پی گرفته می‌شود.

عبدالرزاق صنعانی از معمر، خبر از صحیفه جابر بن عبدالله داده که نزد محدث مشهور قتاده بن دعامة (م 117) بوده و از آن مطالبی نقل می‌کرده است.¹ قتاده این کتاب را بر سعید بن مسیب عرضه کرده است.² لیث بن سعد گوید: نزد ابوالزبیر آمدم و از او خواستم تا نوشته‌ها و کتاب‌های خود را به من نشان دهد او آن‌ها را حاضر کرد و من گفتم: آیا از جابر شنیده‌ای؟ و او این صحیفه را به من ارائه داد. بنا بر نقل عقیلی، ابوالزبیر دو کتاب از جابر برای لیث آورد. این صحیفه را دیگران نیز از جابر شنیده و نوشته‌اند.³

ابن ابی بشیر گوید: به ابوسفیان گفتم چرا تو مانند سلیمان یشکری⁴ از جابر روایت نمی‌گویی؟ گفت: برای این که سلیمان می‌نوشت، ولی من نمی‌نویسم. به همین دلیل، صحیفه جابر نزد او بود و قتاده بن دعامة نیز از سلیمان یشکری آن را نسخه برداری کرد.⁵ حتی صحیفه جابر نزد گروهی بوده و آن را بر قتاده و حسن بصری عرضه کرده و اجازه استفاده از آن را داده‌اند.⁶ با توجه به این که حسن بصری جابر را ندیده این گزارش به خوبی ثابت می‌کند که روایت «حسن عن جابر»

1 ر.ک: مزی (1414ق)، همان، ج 23، ص 508.

2 احمد عبدالرحمن الصویان (1410ق)، صحائف الصحابه، به کوشش سعدی الهاشمی مسفر الدمیننی، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ص 139.

3 احمدی میانجی (1412ق)، همان، ج 1، صص 436 - 437.

4 سلیمان بن قیس یشکری بصری از محدثان که با جابر بن عبدالله انصاری هم نشین بود و از او حدیث می‌شنید و می‌نوشت. وی صحیفه جابر را نسخه برداری کرده است. وفات سلیمان را پیش از سال 80 گفته‌اند. ر.ک: عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی (1371ق)، الجرح والتعديل، ج 4، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص 136؛ ابن حجر (1404ق)، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر، ج 4، ص 188.

5 ر.ک: مزی (1414ق)، همان، ج 23، ص 508.

6 ترمذی (1403ق)، همان، ج 2، ص 388؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (1400ق)، معرفة علوم الحدیث، تحقیق سید معظم حسین، بیروت: دار الاقفاق الجدیده، ص 110؛ احمد بن علی خطیب بغدادی (1406ق)، الکفایه فی علم الروایه، تحقیق احمد عمر هاشم، بیروت: دار الكتاب العربی، ص 392؛ احمدی میانجی (1412ق)، همان، ج 1، ص 438.

منظور، همان صحیفه جابر بوده است؛ یعنی از طریق وجاده. ابن ابی حاتم به این موضوع تصریح کرده و گوید: هر گاه (الحسن عن جابر) آمد منظور کتاب است.¹

به هر حال عرضه صحیفه جابر بر دیگران به خوبی از انتشار صحیفه جابر نزد محدثان در دوره تابعین حکایت دارد که احمد عبدالرحمن الصویان ده تن از این افراد را نام برده است که علاوه بر قتاده و حسن بصری عبارتند از: ابوسهیل... بن نافع اسکافی، ابوالزبیر محمد بن مسلم بن تدرس قرشی، شعبی عامر بن شراحیل همدانی، ابوبشر، مطرف بن عبدالله شخیر، ثابت، مجاهد بن جبر و معمر بن راشد.²

ابن کثیر به این موضوع تصریح کرده و بیان می دارد که کان لجابر کتاب و صحیفه.³

مقایسه جابر با صحابه در عرصه دانش سیره نبوی

شناخت و تبیین نقش جابر در سیر تدوین و تطور سیره نگاری می تواند با مقایسه با سیره گویان و سیره نویسان امکان پذیر باشد. افرادی که پس از او آمدند و روایات جابر و دیگران را جمع آوری کردند هر چند بیشتر بوده و این امر نیز بسیار بدیهی است، اما حتی با برخی از چنین افرادی که به عنوان متخصص سیره شناخته می شوند و دارای تألیف در این زمینه هستند می توان گفت روایات جابر بیشتر بوده است.

نخست باید توجه داشت که جابر از صحابه و در عصر صحابه تعریف می شود و این عصر همانطور که گفته اند حد اکثر تا سال 100 بوده است. همین امر کافی است که نقش جابر در عرصه دانش سیره نبوی از جهت قدمت، اعتبار و کیفیت و کمیت اخبار از دیگران ممتاز باشد. شناخت و روایات آنان را در سه کتاب کهن سیره ابن هشام، مغازی واقعی و طبقات الکبری ابن سعد بررسی کرد.

با توجه به منع تدوین حدیث در میان صحابه، برخی را که به کثرت روایت و نیز داشتن دست نوشته هایی معرفی کرده اند اندک شمارند. احمد عبدالرحمن الصویان در کتاب صحائف الصحابه و نیز محقق فاضل معاصر جناب آقای سید محمدرضا جلالی در کتاب تدوین...⁴

1 احمد عبدالرحمن الصویان (1410ق)، همان، ص 150.

2 همان، صص 138 - 157.

3 ابن کثیر [بی تا]، همان، ج 24، ص 96.

الشرفیه پس از این بحث که غالب صحابه، موافق با منع تدوین نبوده‌اند افرادی را بر شمرده‌اند که مشغول به حدیث بوده و دیگران آن‌ها را می‌نوشته‌اند. و یا این که برخی از صحابه نیز احادیثی را که حفظ داشتند نوشته بودند. برخی از نوشته‌های آنان در زمان رسول الله و برخی دیگر پس از آن حضرت نوشته شده بود. این افراد علاوه بر امیر المؤمنین (ع) که پایه گذار و پرچمدار نهضت تدوین حدیث است عبارتند از:

انس بن مالک (ت 93 هـ)؛ معاذ بن جبل (ت 18 هـ)؛ ابن ربیع الکاتب (مات فی عصر معاویه)؛ ابودر غفاری (ت 32)؛ رافع بن خدیج الأنصاری (ت 74)؛ أبو رافع المدنی، مولی رسول الله (ص) (ت 35)؛ سعد بن عبادة خزرجی انصاری (ت 15)؛ سلمان الفارسی (ت 34)؛ براء بن عازب (ت 72)؛ ابوسلمه (ت 57)؛ عبدالله بن عمرو بن عاص (ت 63)؛ عیبدالله بن ابي رافع (بعد 80)؛ علی بن ابي رافع (القرن الأول)؛ کعب بن عمرو؛ ابوموسی الأشعری (ت 50)؛ سهل بن ابي خثمه مدنی (م میان سال‌های 41-60)، أبو هریره الدوسی (ت 57 أو 59)؛ ابن عباس (م 68)، سمره بن جندب.¹

به جز عایشه، سهل بن ابي خثمه و ابن عباس، در میان این افراد کسی که به تدریس و به خصوص، نوشتن سیره نبوی مبادرت کرده باشد شناخته شده نیست و دست نوشته‌های آنان جمع آوری روایاتی از رسول خدا (ص) در باب احکام و فقه و قضا است. تنها می‌دانیم که عیبدالله بن ابي رافع از جمله اصحابی است که به تدوین کتابی مبادرت کرده که در باره سیره نبوی و حوادث آن نیست، بلکه فهرستی از صحابه‌ای است که علی (ع) را در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان همراهی کرده‌اند. این کتاب با نام «من شهد مع امیر المؤمنین الجمل و صفین و النهروان من الصحابه» است که در جای خود بدان پرداخته شده است.²

روایات سهل بن ابي خثمه نیز بسیار کم‌تر از جابر، بلکه قابل قیاس نیست. اما ابن عباس نیز هر چند به کثرت روایت شهره است اما در باب سیره نبوی روایات او بیشتر، حول تفسیر برخی آیات و بیان احکام است و ساختار سیره گویی مانند جابر را ندارد؛ هر چند که ابن عباس نیز در دایره اهل بیت و تشیع قرار می‌گیرد. مشکل دیگر ابن عباس سن پایین او (13 ساله به هنگام وفات پیامبر) است که جابر چنین مشکلی ندارد و در حوادث عصر مدنی، حاضر بوده است.

1 توضیحات مفصل درباره این دست نوشته‌ها را ر.ک: احمد عبدالرحمن الصویان (1410ق)، همان، صص 57-215؛ سید محمدرضا جلالی (1418ق)، تدوین السنة الشریفه، [بی‌جا]: مکتبه الاعلام الاسلامی، صص 209-229.

2 در این باره مقاله‌ای با عنوان «شیعه بنیانگذار دانش صحابه‌نگاری» به قلم اینجانب نوشته شده است. ر.ک: محمدرضا هدایت‌پناه (1390)، شیعه بنیانگذار دانش صحابه‌نگاری، مجله علمی پژوهشی پژوهش نامه تاریخ اسلام، ش 4.

امتیاز روایات جابر بر عایشه

چنان که دانسته شد در میان صحابه رسول خدا (ص) به جز عایشه کسی چون جابر به تدریس اخبار سیره اشتغال نداشته است. اما در مقایسه‌ای میان جابر و عایشه و به تبع او عروه که از تابعین و راوی قریب به اتفاق روایات عایشه است می‌توان امتیازاتی برای جابر برشمرد.

قریب به اتفاق روایات عایشه از طریق عروه است. این موضوع در مقایسه با روایات جابر هم از جهت سند و هم از جهت محتوا قابل بررسی است. از جهت سند، عایشه به دلیل موقعیت خاص خود در مقایسه با جابر تفاوت قابل توجهی دارد.

نخست این که عایشه به دلیل سن کم و نیز زن بودن و به خصوص حکم خاص قرآنی به همسران پیامبر (ص) که بایستی در خانه‌های خود بمانند و کمتر در مجامع عمومی ظاهر شوند، نتیجه طبیعی این وضعیت خاص، این است که نمی‌توانسته در بسیاری از حوادث دوران مکه (به دلیل سن پایین) و دوران مدینه اعم از حوادث داخلی مانند حوادث مربوط به جنگ احزاب و حوادث بیرونی آن یعنی در غزوات و سرایه‌ها - به جز غزوة مریسج و یا حج که همراه پیامبر بوده - شاهد عینی باشد. (53) براین اساس اگر هم حوادثی را روایت کرده باشد به دلیل عدم حضور، روایات او مسند نخواهد بود. مانند اخبار مربوط به ازدواج پیامبر با خدیجه (54)؛ اخبار در باره نجاشی که پس از مرگ همیشه بر قبرش نوری دیده شد (55)؛ روایات او در باره معراج (56)؛ شعار مهاجرین و انصار در بدر (57) و گزارش‌های دیگر او در باره حوادث بدر (58) و آنچه در مکه پس از بدر اتفاق افتاد (59) و اخباری دیگر. همین نکته یکی از اساسی‌ترین ایرادهای محقق معاصر علامه سید جعفر مرتضی عاملی در نقد روایات عایشه در سیره است مانند آنچه را که در باره ابتدای نزول وحی نقل کرده است.¹

از جهت محتوا نیز با توجه به نکته پیشین و بر فرض قبول اصل معامله مراسیل صحابه مانند مسانید آنان،² اما از نظر ماهیت موضوع، روشن است که گزارش خبر با واسطه بیش از

1 هر چند اهل سنت مراسیل صحابه یعنی آن دسته از احادیث صحابه را که سلسله سند کامل نیست و منقطع است را مانند مسانید (روایت مسند) آنان تلقی به قبول کرده‌اند، اما این قانون نمی‌تواند نقص اصلی را جبران نماید؛ یعنی عدم توازن روایت کسی که در حوادث حاضر نبوده در مقایسه با اعتبار حقیقی روایت کسی که خود شاهد حوادث بوده است. زیرا شاهد بری ما لایری الغائب. اما این قانون از جهت اصل موضوع یعنی شاهد بودن عینی حوادث، دخلی ندارد و به هر حال «الشاهد بری ما لایری الغائب».

2 توجه آنان در این باره این است که صحابی از اصحاب دیگر نقل می‌کند نه تابعی و افراد دیگر. بنابراین اشکالی متوجه سند نخواهد بود. اما برخی این را رد کرده و گفته‌اند این مطلب مطلق نیست و صحابی از تابعی نیز حدیث نقل کرده است مگر

خبری که بدون واسطه، است احتمال خطا، تغییر و تحریف در آن راه دارد. در کنار این دو مورد، باید حب و بغض‌ها را ضمیمه کرد که در بارهٔ عایشه نسبت به امیرالمؤمنین (ع) امری ثابت و غیر قابل انکار است.¹

بر خلاف دو مورد فوق، برای جابر بن عبدالله انصاری چنین موانعی نبوده است. وی به راحتی می‌توانسته در حوادث، شرکت و حضور مستقیم داشته و شاهد عینی باشد. از برخی روایات سیره که وی گزارش داده به خوبی چنین می‌نماید که جابر بر این امر توجه کامل داشته و به همین دلیل همراه امام علی (ع) در نبرد با عمرو بن عبود وارد میدان نبرد شده تا از نزدیک شاهد عینی ماجرا باشد.² وی حتی در مواردی که حضور نداشته و یا خود از رسول خدا (ص) مطلبی را شنیده سعی بلیغ بر آن داشته که خود را به راوی اصلی برساند تا بدون واسطه، آنچه را می‌خواسته از راوی اصلی و شاهد عینی جویا شود. روایات مرسل جابر، تنها یک روایت یافت شد که در بارهٔ ساخت کعبه است و ابن حجر احتمال داده که از عباس بن عبدالمطلب آن را نقل کرده³ و این مطلب نشان می‌دهد که هر چند با توجیهاتی، روایت مرسل صحابه مورد پذیرش قرار گرفته، اما اساساً این گونه روایات ضعیف بوده و به همین دلیل سعی بر آن است که آن‌ها را «مسند» نمایند. وی همچون محدثی آشنا به قواعد، راستگویی و امانت داری بدون حب و بغض را در نقل اخبار سیره رعایت کرده و شواهد متعدد و اعتماد سیره نویسان بعدی به تمام روایات جابر، گویای این مطلب است. مثلاً ابن اثیر ذیل حدیث «اهتز عرش الرحمن لموت سعد بن معاذ» و ادعای برخی از خزرچی‌ها مبنی بر تحریف این حدیث از اصل آن یعنی «اهتر السریر...» گوید: جابر آن را ناشی از دشمنی این دو گروه دانسته است و با این که خود خزرچی است، اما نظر اوسی‌ها را تایید کرده است⁴ و این مطلب، تدین واقعی جابر و امانتداری او را در نقل حوادث و دفاع از حق نشان می‌دهد.

این که خود تصریح کرده باشد که تنها از صحابی روایت نقل میکنند. برای اطلاع بیشتر ر.ک: احمد بن علی خطیب بغدادی (1406ق)، *الکفایه فی علم الروایه*، ص 424؛ هاشم معروف الحسنی (1398ق)، *درسات فی الحدیث و المحدثین*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ص 50.

1 ر.ک: محمدرضا هدایت پناه (1391)، *زبیریان و تدوین سیره نبوی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، شرح حال عروه و بخش منابع زبیریان.

2 مفید (1413ق)، همان، ج 1، صص 101-102.

3 احمد بن علی بن حجر [بی تا]، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر، ص 111.

4 ابن اثیر (1414ق)، همان، ج 1، ص 493.

همچنین به دلیل این که وی مدنی است و خود در حوادث مکی حضور نداشته است روایتی از او در موضوع سیره ذر این مقطع گزارش نشده است. حتی بنا بر یک نظر، به دلیل عدم حضورش در بدر، تنها روایتی که از این غزوه نقل کرده مرسل نیست، بلکه روایت خود را به عبدالرحمن بن عوف مستند کرده است. این رویکرد تخصصی و امانت داری جابر را می‌توان از این جا به دست آورد که وی برای شنیدن حدیث قصاص **•••••** بن‌عامر جهنی و یا عبدالله بن انیس از پیامبر (ص) شنیده و در مصر ساکن شده بود به دست. برای این که خود، آن روایت را بشنود با خرید شتری بدان دیار مهاجرت و آن حدیث را اخذ کرد.¹ از همین رو جابر بن عبدالله انصاری را باید از پیشگامان هجرت برای طلب حدیث برشمرد. کسب دانش حدیث برای او چنان اهمیت داشت که با این که خود از اصحاب پیامبر (ص) است؛ اما از بسیاری از صحابه نیز نقل حدیث کرده و بسیاری از بزرگان تابعین از جمله امام باقر (ع)،² سعید بن مسیب، ابو زبیر مکی، عطاء بن ابی رباح، مجاهد، شعبی و حسن بصری نیز از او روایت کرده‌اند.³ ابن عقیل (عبدالله بن محمد)⁴ به فراگیری سیره نبوی از جابر به همراه امام باقر (ع) تصریح کرده که هر آنچه را می‌شنیدیم می‌نوشتیم.⁵ پس از بدر، جابر در بسیاری از حوادث مدینه و بیرون از مدینه حضور داشته و از نزدیک شاهد عینی حوادث بوده است و این امکان را برای او بوجود آورده تا مشاهدات خود را بدون واسطه روایت کند و موانع مربوط به عایشه را نداشته باشد. بررسی این دو مطلب از گزارش‌های این دو به خوبی معلوم است.

مقایسه جابر با تابعین و طبقه نخست سیره نگاران

راویان جابر در مجامع حدیثی اهل سنت بسیارند و فاضل معاصر حسین واتقی بالغ بر 166 نفر را نام برده است. در میان این جمع، محدثان و فقهای مشهوری چون انس بن مالک، سعید بن مسیب، سلیمان بن مهران (عمش)، طاووس بن کیسان، عرو بن زبیر، عطاء بن ابی رباح، قتاده و امام سجاد (ع) و

1 ابن ابی عاصم (1411ق)، همان، ج 4، ص 79؛ سیوطی (1418ق)، همان، صص 146-145.

2 برای نمونه رک: ابن ابی خيثمه (1424ق)، همان، ج 2، صص 20 و 38؛ حمیری (1413ق)، همان، ص 110.

3 بنگرید: ابونعیم (1419ق)، همان، ج 2، صص 531-533؛ مزی (1414ق)، همان، ج 4، صص 448-444؛ ابن اثیر (1415ق)، همان، ج 1، ص 493؛ ذهبی (1413)، همان، ج 3، صص 189-190. فهرست راویان از جابر را بنگرید: واتقی (1378ش)، همان، صص 81-88.

4 شرح حال او را بنگرید: مزی (1414ق)، همان، ش 3543.

5 بغوی (1421ق)، همان، ج 1، صص 444-445. احادیث او را 1540 حدیث شماره کرده‌اند. ابن حزم (1412ق)، همان، ص 41.

ابن جوزی [بی‌تا]، همان، ص 636؛ ابن کثیر [بی‌تا]، همان، ج 9، ص 29؛ ذهبی (1413ق)، همان، ج 3، ص 194.

امام باقر(ع) وجود دارند. آنچه در بحث سیره مهم است دو نکته است:
 نخست این که در میان راویان جابر، شمار قابل توجهی از صحابه، فرزندان و نوادگان آنان هستند که گویای آگاهی فراوان جابر از حوادث و اخبار سیره بوده به طوری که مرجع و اسنادی برای صحابه و فرزندان و نوادگان شده که خود و یا پدرانشان در حوادث و رویدادهای دوران رسالت بوده‌اند.

دوم این که برخی از راویان او از سیره‌گویان و سیره‌نویسان مشهورند که از افراد فوق‌الذکر می‌توان شرح‌بیل‌بن‌سعد، عاصم‌بن‌عمر بن‌قناده و شعبی ابو‌عمر عامر بن‌شراحیل کوفی را نام برد. اساساً منابع کهن و تحقیقات محققان، آغاز سیره نویسی را از اواخر عصر تابعین می‌دانند نه عصر صحابه؛ بنابراین جابر را باید پیشگام در عرصه سیره نویسی دانست. از میان تابعین تنها می‌توان به اصبع‌بن‌نباته و سلیمان بن‌قیس هلالی از اصحاب امیرالمؤمنین(ع) و همچنین از عروه^۱ بن‌زبیر نام برد که اولاً هر دو نفر نخست، از شیعیان هستند و البته در سیره نبوی نوشته‌هایی برای آنان برنشموده‌اند. از این رو، باز جابر جایگاه ممتاز و خاص را خود را دارد، اما عروه (م 92) به عنوان نخستین سیره نویس از میان تابعین شناخته می‌شود که در واقعه حرة نوشته‌های خود را از بین برد^۱ و در ادامه توضیحات لازم در باره مقایسه روایات جابر و عروه خواهد آمد.

مقایسه میان جابر و عروه هر چند مقایسه‌ای غیر عادلانه است، اما این مقایسه با سیره نویسان نخستین و بر اساس طبقه بندی احمد امین در *ضحی الاسلام با طبقه نخست سیره نگاران* که عروه یکی از آنان است تا سال 123 (یعنی سال وفات شرح‌بیل‌بن‌سعد مدنی) جایگاه جابر را بهتر نمایان خواهد کرد. این سیره نویسان عبارتند از: سعید بن سعد بن عباد، سهل بن ابی خثیمه مدنی (م حکومت معاویه 41-60)، سعید بن مسیب (م 94)، عروه بن زبیر (م 94)، عبیدالله بن کعب بن مالک انصاری (م 97)، عامر بن شراحیل (م 103)، ابان بن عثمان بن عفان (م 105)، قاسم بن محمد بن ابی بکر (م 107)، وهب بن منبه (م 110)، عاصم بن عمر بن قناده مدنی (م 120)، شرح‌بیل بن سعد مدنی (م 123).

تمام این افراد نه تنها صحابی نیستند، بلکه به جز چهار مورد نخست، از صغار تابعین هم نمی‌باشند و در شمار کبار تابعین و اتباع تابعین شمرده می‌شوند. از مجموع اسامی فوق چنان که گفته شد برخی بر آنند که عروه نخستین سیره نویس بود و برخی دیگر موسی بن عقبه (م 141) را که در طبقه سوم سیره نویسان است پیشگام می‌دانند.^۲

1 ر.ک: محمدرضا هدایت پناه (1391)، *زبیریان و تدوین سیره نبوی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص 41-46.

2 ر.ک: همان.

مقایسه جابر با افراد فوق‌الذکر هر چند با توجه به تفاوت طبقه میان او و دیگران، اثری در اثبات مدعا ندارد و خارج از موضوع می‌تواند تلقی شود، اما برای شناسایی جایگاه او در دانش سیره نبوی حائز اهمیت است. با بررسی انجام شده میان روایات این افراد در مقایسه با جابر در سه کتاب اصلی و کهن سیره یعنی *سیره ابن‌هشام* و *مغازی واقدی* و *طبقات ابن‌سعد* (ج 1 و 2) نشان داد که هیچ کدام - به جز *عرو*¹ - به اندازه جابر روایت نقل نکرده است. عروه نیز یک استثنا به شمار می‌رود که البته علت بیرونی داشته و با این حال از جهتی دیگر تفاوت‌هایی میان روایات جابر و عروه وجود دارد که توضیح آن در ادامه خواهد آمد. بنابراین امتیاز و برتری جابر حتی در مقایسه با دو طبقه پس از خود همچنان به قوت خود باقی است.

جدول ذیل آمار روایات جابر را در مقایسه با افراد مذکور در سه کتاب نشان می‌دهد.

ردیف	نام	السیره النبویه	المغازی	الطبقات الکبری	جمع روایات
1	جابر بن عبدالله انصاری	31	73	92	196
2	سعید بن سعد بن عباده ¹	0	0	0	0
3	سهل بن ابی خثیمه مدنی	0	0	0	0
4	سعید بن مسیب ²	10	18	42	70
5	عرو بن زبیر	93	59	115	267
6	ابوفضاله عبیدالله بن کعب بن مالک انصاری ³	0	1 ⁴	0	1
7	شعیب عامر بن شراحیل ⁵	3	0	27 ¹	30

1 سعید بن سعد بن عباده خزرجی فرزند صحابی مشهور و بزرگ قبیله خزرج و برادر قیس بن سعد بن عباده. گفته شده پیامبر را درک کرده و حتی از او حدیث شنیده است. با این که گفته‌اند که روایات کمی نقل کرده است، اما دارای مغازی بوده که نسخه‌ای از آن نزد نبیره‌اش یعنی سعید بن عمرو بن شرحبیل بن سعید بوده است. گفته‌اند که شرحبیل نیز از مغازی نویسان نخست بوده است. ر.ک: ابن‌سعد، همان، ج 5، ص 80؛ شافعی [بی‌تا]، کتاب‌المسند، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص 149؛ ابن حجر عسقلانی (1404ق)، تهذیب‌التهذیب، ج 4، بیروت: دار الفکر، صص 61-62؛ فؤاد سزگین (1412ق)، تاریخ‌التترات العربی، ج 1، جزء دوم (التدوین تاریخی)، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ص 65.

2 وی نسب شناس، مورخ، فقیه و معروف به سید التابعین است. سعید در سال 94 وفات کرد. ر.ک: سزگین، همان، ج 1، جزء دوم (التدوین تاریخی)، ص 67.

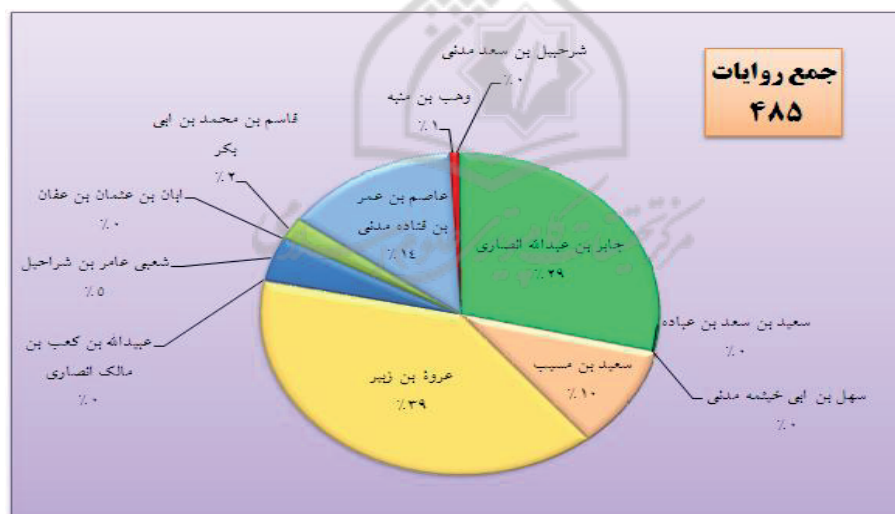
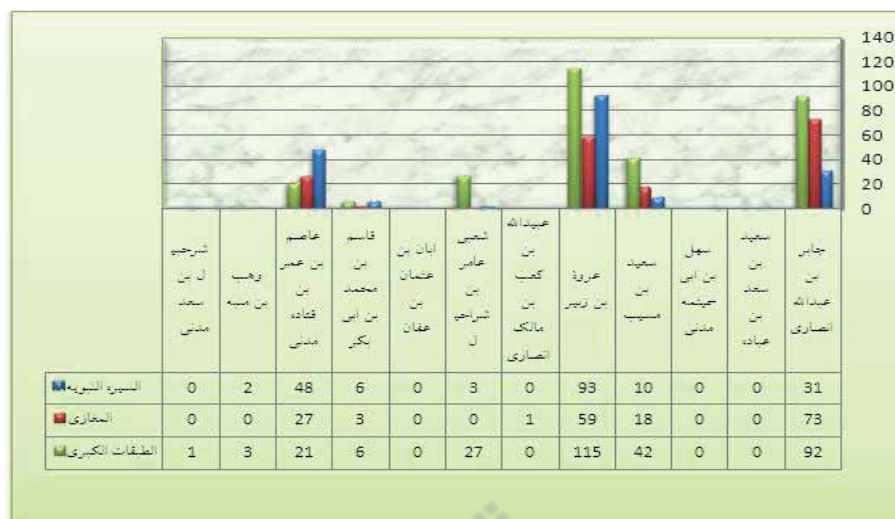
3 ابن‌سعد ضمن توثیق او نوشته که عبیدالله بن کعب روایت کم گفته است (ثقه للیل الحدیث). ابن‌سعد (1410ق)، همان، ج 5، ص 209.

4 واقدی (1409ق)، همان، ج 1، ص 236.

5 ابوعمرو عامر بن شراحیل الشیبی (م 103) ولد بالکوفه سنه 19 فیما بعد اتصل عبدالملک بن مروان. کان محدثاً و عالماً فی الفقه و المغازی. سزگین (1412ق)، التدوین تاریخی، صص 68-69.

ردیف	نام	السیره النبویه	المغازی	الطبقات الكبرى	جمع روایات
8	ابان بن عثمان بن عفان ²	0	0	0	0
9	قاسم بن محمد بن ابی بکر ³	6	3 ⁴	6 ⁵	15
10	عاصم بن عمر بن قتاده مدنی ⁶	48 ⁷	27 ⁸	21 ⁹	96
11	وهب بن منبه ¹⁰	2 ⁵	0	53	5
12	شرح حیل بن سعد مدنی ¹¹	0	0	51	1

- ابن سعد (1410ق)، همان، ج 1، صص 21، 30، 111، 130، 202 (دو روایت)، 232، 256، 279، 307 (دو روایت)، 360 و ج 2، صص 34، 16، 80، 130، 137، 144، 189، 190، 202، 211، 212، 217، 227، 229، 231.
- ابان بن عثمان بن عفان (96م) و هو من أقدم من ألقوا كتباً في المغازی. فؤاد سزگین (1412ق)، همان، صص 69-70. و نیز ر.ک: هوروفتس (1421ق)، المغازی الاولی و مؤلفوها، قاهره: مکتبه الخانجی، صص 19-21.
- ابو محمد القاسم بن محمد بن ابی بکر (107م) کان فی عصره عالماً عظیماً مثل عروة. سزگین (1412ق)، همان، ص 72.
- واقدی (1409ق)، همان، ج 1، صص 396، 550، 720.
- ابن سعد (1410ق)، همان، ج 1، صص 360، 363 و ج 2، صص 169، 174، 216، 255.
- عاصم بن عمر بن قتاده بن نعمان (120م). کان عاصم بن عمر من العلماء بالسیره و غیرها... و کانت له روایة للعلم و علم بالسیره و المغازی رسول الله (ص). ابن سعد (1410ق)، همان، ج 5، ص 336. کان عالماً مشهوراً بالمغازی و امره الخلیفة عمر بن عبدالعزیز بان یقرأ فی الجامع الاموی قصص المغازی و مناقب الصحابة. سزگین (1412ق)، همان، ص 73.
- ابن هشام [بی تا]، همان، ج 1، صص 211، 213، 214، 219، 221، 425، 428، 434، 446، 507، 524، 525 (دو روایت)، 541، 584، 606، 625، 627، 643 و ج 2، صص 47، 48، 51، 60، 67، 82، 87، 88 (دو روایت)، 122، 169، 172، 223، 227، 240، 280، 281، 283، 290، 292، 442، 443، 445، 498، 503، 514، 516، 522، 523، 621.
- واقدی (1409ق)، همان، ج 1، صص 59، 63، 75، 125، 129، 138، 148، 151، 152، 158، 159، 209، 251 و ج 2، صص 423، 443، 447، 515، 539، 541، 572، 733، 761 (دو روایت)، 1025، 1029، 1031.
- ابن سعد (1410ق)، همان، ج 1، صص 93، 114، 127، 132، 162، 168، 170، 171، 221، 262، 337، 350، 374 و ج 2، صص 42، 43، 174، 193، 196.
- در یمن متولد شده و حجاز را هم دیده است. ولی بیشتر زندگی خود را در یمن گذرانده است. یاقوت حموی او را از برگزیدگان تابعین و مردی راستگو و مورد اعتماد می‌داند که از کتاب‌های قدیمی معروف به اسرائیلیات فراوان نقل کرده است. [یاقوت، معجم الادباء، ج 19، ص 259]. ابن ندیم تألیف کتابی بنام کتاب المبتدأ را به او نسبت می‌دهد و اشاره می‌کند که میان این کتاب و بخش اول سیره‌ای که ابن اسحاق تألیف کرده است شباهت وجود دارد. ابن ندیم، الفهرست، ص 128. فقط مقدار بسیار کمی از اخبار پیامبر (ص) به وسیله وهب بن منبه به ما رسیده است. ابن اسحاق در بخش اول سیره خود مطالبی از وهب بن منبه نقل می‌کند در حالی که واقدی هیچ اشاره‌ای به وهب ندارد و از او نامی هم نبرده است. واقدی (1369ش)، مغازی، تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج 1، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ج 2، مقدمه، ص 24.
- شرح حیل بن سعید (123م) کان احد المؤلفین الاوائل فی میدان المغازی... و عده سفیان بن عیینة (198م) احسن من عرف المغازی سزگین (1412ق)، همان، ص 72.



از جمع روایات سعید بن مسیب که 18 روایت است 15 روایت مرسل است و سه روایت دیگر را از ابوبکر، جیر بن مطعم و حکیم بن حزام نقل کرده است، اما با توجه به سال تولد وی که حداقل دو سال بعد از خلافت عمر را گفته‌اند¹ قطعاً روایت از ابوبکر نیز مرسل بوده است.

1 ابن سعد (1410ق)، همان، ج 5، ص 90. نقل دیگر این است که وی دو سال پیش از مرگ عمر به دنیا آمد. رک: همانجا.

روایات شعبي نیز مانند سعید بن مسیب، قریب به اتفاق آن مرسل است و سه مورد از مسروق و در یک مورد از مغیر بن شعبه و در یک مورد دیگر از عروه بن مضرس است. نفر آخر مجهول است و مسروق و مغیره نیز از دشمنان امیر المؤمنین هستند چنان که خود شعبي نیز چنین است. در باره وهب بن منبه که بنا به گفته یاقوت حموی از کتاب‌های معروف به اسرائیلیات فراوان نقل کرده است¹ در این جا نیز تنها روایات او در سیره ابن هشام درباره نجران و گسترش مسیحیت در آن جا است. منبع اصلی دو روایت او در طبقات نیز جابر بوده که در باره حدیبیه و عام الفتح است.

جابر و عروه بن زبیر

درباره نقش خاندان زبیر در تدوین سیره نبوی به طور مستقل بحث و بررسی و زوایای مختلف این موضوع تشریح شده است.² آنچه در ارتباط با جابر و عروه قابل پیگیری است تفاوت‌های درونی و بیرونی میان این دو از نظر جایگاه سیره‌نگاری است. از نظر کمی میان جابر و عروه تنها 71 روایت است که البته باید در این آمار، موارد ذیل را کاملاً توجه داشت.

نخست این که موقعیت سیاسی انصار به طور عموم و جابر به طور خصوص نسبت به عروه تفاوت آشکاری دارد. تلاش امویان در سرکوب انصار به گونه‌های مختلف و شیعیان امیر المؤمنین (ع) فضای سیاسی را بر آنان تنگ می‌گرفت و بیان حوادث به سادگی نبود؛ ولی عروه نه تنها این مشکل را نداشته، بلکه بر اساس منابع و گزارش‌های تاریخی، عروه از اعوان و انصار امویان و در خدمت آنان بوده است.³

مطلب دیگر این که منبع اصلی روایات عروه در بخش سیره نبوی کسی جز عایشه نیست و حتی منبع اصلی روایات مرسل او نیز عایشه بوده است.⁴ افراد دیگر نیز که موارد آن بسیار اندک است یا به نوعی از خویشاوندان زبیری هستند و یا تنها یک روایت دارند از جمله جابر.⁵ بر این

1 این ندیم تألیف کتابی بنام کتاب المبتدأ را به او نسبت می‌دهد و اشاره می‌کند که میان این کتاب و بخش نخست سیره‌ای که ابن اسحق تألیف کرده است شباهت وجود دارد. فقط مقدار بسیار کمی از اخبار پیامبر (ص) به وسیله وهب بن منبه به ما رسیده است. اخیراً قسمت کوچکی از این مطالب که بر روی کاغذهای قدیمی مصری نوشته شده‌اند در مجموعه اسکات رینهارت [tdrahnieRttohSi] به دست آمده است که بیعت عقبه در آن ثبت است. ابن اسحق در بخش اول سیره خود مطالبی از وهب بن منبه نقل می‌کند. ر.ک: محمد بن عمرو اقدی (1369 ش)، مفاز تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص)، تحقیق ماسدن جونز، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ 2، مقدمه محقق، ص 23.

2 هدایت پناه (1391)، همان جا.

3 برای اطلاع بیشتر در باره مناسبات زبیریان با امویان و شخص عروه ر.ک: هدایت پناه (1391)، همان، صص 41 – 46 و 62 – 70.

4 ر.ک: هدایت پناه (1391)، همان، ص 129.

5 همان، صص 112 و 134.

اساس با توجه به موقعیت سیاسی و فکری عایشه و ضدیت او و زیریان با اهل بیت (ع) از یک سو¹ و مرسل بودن خود روایات عایشه که از جهت حدیثی، اشکالی بر روایات او است² نقیصه اصلی روایات عروه را در قیاس با جابر که خود شاهد قریب به اتفاق حوادث بوده به خوبی نشان می‌دهد و از این حیث روایات جابر در سیره بسیار بیشتر مورد اعتمادند و از جایگاه علمی برخوردارند. علاوه بر دو مطلب مذکور باید توجه به این نکته نیز داشت که گزارش‌های جابر در باره حوادث مدنی که غالباً مغازی و سراپا هستند آن گونه که واقدی و ابن هشام آورده گزارش‌های طولانی و بلندی است و از نظر کمیت حجم بالایی را به خود اختصاص داده است.

موضوعات و روایات سیره به روایت از جابر

چنان که اشاره شد جابر به اقتضای سن خود از زمان پیمان عقبه تا آخرین لحظات، در حوادث مهم مختلف حضور فعال داشته و آن‌ها را گزارش کرده است. این موضوعات که به 61 عنوان می‌رسد از حوادث بدر تا ماجرای درخواست پیامبر برای آوردن دوات برای وصیت آخرش است. این اخبار و افرادی که آن‌ها را از جابر روایت کرده‌اند به قرار زیر اند:

الف. غزوات

غزوه بدر

1. بعض اخبار بدر ص 87 عامر بن عثمان عن جابر قال اخبرني عبدالرحمن بن عوف
2. بعض اخبار بدر ص 117 عبدالله بن مقسم عن جابر
3. غزوة احد

سریة قتل کعب بن الاشرف

4. حدیثی عبدالحمید بن جعفر، عن یزید بن رومان، و معمر، عن الزهري، عن ابن کعب بن مالک، و ابراهیم بن جعفر، عن ابيه، عن جابر بن عبدالله؛ فکل قد حدیثی بظنه...
- فکان الذی اجتمعوا لنا علیه قالوا: ... (روایت طولانی است).
5. قتل ابن الاشرف. ابراهیم بن جعفر عن ابيه عن جابر. تمام داستان
6. بعض اخبار احد. عبدالله بن محمد بن عقیل قال: سمعت جابر بن عبدالله يقول.
7. بعض اخبار احد. قال جابر

1 همان، صص 100 – 108 و 112 و 72-75.

2 همان، ص 122.

8. بعض اخبار احد، کان طلحه بن عبیدالله و ابن عباس و جابر یقولون
9. بعض اخبار احد، قال جابر
10. غزوه حمراء الاسد، قال جابر
- غزوه ذات ارقاع
11. بعض اخبار غزه ذات الرقاق، ابی الحسن عن جابر غزوه ذات الرقاق
12. بعض اخبار غزه ذات الرقاق، ابی الزبیر عن جابر
13. بعض اخبار غزه ذات الرقاق، حسن عن جابر
14. بعض اخبار غزه ذات الرقاق، وهب بن کيسان عن جابر، روایت طولانی است.
15. بعض اخبار غزه ذات الرقاق، عقیل بن جابر عن جابر
16. غزه ذات الرقاق، زید بن اسلم عن جابر و نیز وهب بن کيسان عن جابر و ابی نعیم عن جابر و اسماعیل بن عطیه بن عبدالله بن انیس عن ابیه عن جابر، تقریباً تمام خبر این غزوه را گفته است.
- غزوه مریسیع (بنی المصطلق)
17. بعض اخبار مریسیع، خوارزمی بن الحارث عن عباس بن سهل عن جابر
18. بعض اخبار مریسیع، عبدالله بن جعفر بن مسلم عن ابی عتیق عن جابر (دو صفحه)
- غزوه احزاب (خندق)
19. بعض اخبار احزاب، فکان مما بلغنی ان جابر بن عبدالله یحدث
20. بعض اخبار احزاب، سعید بن مینا عن جابر بن عبدالله
21. بعض اخبار احزاب، محمود بن عبدالرحمن بن عمرو بن الجموح عن جابر بن عبدالله.
22. بعض اخبار احزاب، ابن ابی سبره عن الفضل بن مبشر عن جابر
23. بعض اخبار احزاب، محمد بن ابراهیم بن الحارث عن جابر
24. بعض اخبار احزاب، خوارزمی بن حارث عن ابی عتیق السلمی عن جابر
25. بعض اخبار احزاب، فکان جابر یحدث
26. بعض اخبار احزاب، عبیدالله بن مقسم عن جابر
27. بعض اخبار احزاب، عبدالرحمن بن عبدالله بن کعب بن مالک عن جابر
28. بعض اخبار احزاب، عبدالرحمن بن عبدالله بن کعب بن مالک عن جابر
- غزوه بنی قریظه
29. بعض اخبار بنی قریظه، عبیدالله بن مقسم عن جابر

30. بعض اخبار بنی قریظه. ابی سعید عن جابر
31. بعض اخبار بنی قریظه (مرگ سعد بن معاذ). عبدالرحمن بن جابر عن ابيه
- غزوة بنی لحيان
32. بعض اخبار غزوة بنی لحيان. فكان جابر بن عبدالله يقول.
33. بعض اخبار حديبيه. كان جابر بن عبدالله يقول.
34. بعض اخبار حديبيه. كان جابر بن عبدالله يقول
35. بعض اخبار حديبيه. في قول جابر بن عبدالله
- غزوة حديبيه (صالح حديبيه)
36. بعض اخبار حديبيه. ابی الزبير عن جابر
37. بعض اخبار حديبيه. ابی الزبير عن جابر
38. بعض اخبار خيبر. عمرو بن دينار عن جابر بن عبدالله الانصاري و لم يشهد جابر خيبر.
39. بعض اخبار حديبيه. عبدالله بن سهل بن عبدالرحمن بن سهل اخو بنی حارث عن جابر بن عبدالله .
- غزوة خيبر
40. خيبر. محمد بن فضيل عن ابيه عن جابر (مبارزات طولاني)
41. خيبر. ابن ابی سبره عن الفضيل بن مبشر عن جابر
42. خيبر. ابن ابی سبره عن اسحاق بن عبدالله عن عبدالرحمن بن جابر عن ابيه (دو صفحه)
43. عمرو القضا. ابن ابی سبره عن موسى بن ميسره عن جابر
44. سريه موته. ابن عقيل عن جابر
45. سريه الخبیط اميرها ابو عبيده بن جراح. حدثني مالك بن انس، عن وهب بن كيسان، عن جابر بن عبدالله:
46. سريه الخبیط اميرها ابو عبيده بن جراح. ابن ابی ذئب عن ابيه عن جابر بن عبدالله:
- غزوة مكه
47. فتح مكه. اخبرنا عبدالله بن الزبير الحميدي، اخبرنا سفيان بن عيينه عن هشام عن (تصحيف بن عروة عن ابيه عن جابر.
48. بعض اخبار فتح مكه. ابی جعفر عن جابر
49. بعض اخبار فتح مكه. بشير مولى المازنيين عن جابر
50. بعض اخبار فتح مكه. شيخ من خزاعه عن جابر

غزوه حنین

51. بعض اخبار حنین. عاصم عن عبدالرحمن بن جابر عن جابر
52. بعض اخبار غزوه اکیدر بن عبدالملک. قال أنس بن مالک، و جابر بن عبد الله... (روایت طولانی است).
- غزوه اکیدر بن عبدالملک
53. بعض اخبار غزوه اکیدر بن عبدالملک (اکیدر نام شخصی است و این غزوه به نام او ثبت شده است). عاصم عن عبدالرحمن بن جابر عن جابر
- غزوه تبوک

54. بعض اخبار تبوک. کان جابر بن عبد الله يحدث يقول

ب. سریه‌ها و حوادث

55. سریه قتل کعب بن الاشرف
56. حدثني عبد الحميد بن جعفر، عن يزيد بن رومان، و معمر، عن الزهري، عن ابن كعب بن مالك، و ابراهيم بن جعفر، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله؛ فكل قد حدثني بط... فكان الذي اجتمعوا لنا عليه قالوا: ... (روایت طولانی است).
57. قتل ابن الاشرف. ابراهيم بن جعفر عن ابيه عن جابر. تمام داستان
58. عمرو القضا. ابن ابي سبره عن موسى بن ميسره عن جابر
59. سریه موته. ابن عقيل عن جابر
60. سریه الخبط اميرها ابو عبيد بن جراح. حدثني مالك بن أنس، عن وهب بن كيسان، عن جابر بن عبد الله:
61. سریه الخبط اميرها ابو عبيد بن جراح. ابن ابي ذئب عن ابيه عن جابر بن عبد الله:
62. اصحاب عقبه. داود بن الحصين عن عبدالرحمن بن جابر عن ابيه
63. عمل پیامبر با جسد عبدالله بن ابي. کان جابر بن عبد الله يقول خلاف هذا
64. روایت احرام علی (ع) به نیت پیامبر (ص). جعفر بن محمد عن ابيه عن جابر
65. أمر الشبه المسمو... قال جابر: ... فتوفى رسول الله صلى الله عليه وآله شهيداً.

منابع و مأخذ

- ابن ابي الحديد، عبد الحميد (1378)، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت: دار احياء الكتب العربيه.

- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن (1371ق)، الجرح و التعديل، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن ابی خيثمه، ابوبکر احمد (1424ق)، التاريخ الكبير، تحقيق صلاح بن فتحی هلال، قاهره: القاروق الحديثه.
- ابن ابی عاصم عمرو (1411ق)، الآحاد و المثاني، تحقيق باسم فيصل احمد جوايره، [بی جا]: دار الدرابه.
- ---- (1411ق)، الاوائل، تحقيق محمود محمد محمود حسن نصار، بيروت: دار الجيل.
- ---- (1413ق)، کتاب...، تحقيق محمد ناصرالدين الباني، بيروت: المكتب الاسلامی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (1415ق)، اسد الغابہ...، الصحابه، تحقيق عادل احمد الموجود و دیگران، بيروت: دار الکتب العلمیه.
- ---- (1364ش افسست)، النهايه فی غريب الحديث، تحقيق طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطنناخی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن بابويه قمي علی [بی تا]، الامامه و التبصره، قم: مدرسه الامام المهدي.
- ابن حبان، محمد (1393)، کتاب التقات، حيدر آباد هند...، الکتب الثقافه.
- ---- (1411ق)، مشاهير علماء الامصار، تحقيق مرزوق علی ابراهيم، [بی جا]: دار الوفاء.
- ابن حجر، احمد بن علی [بی تا]، فتح الباری بشرح صحيح البخاری، بيروت: دار المعرفه للطبع و النشر.
- ---- (1408ق)، مقدمه فتح الباری، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- ---- (1415ق)، الاصابه فی تمیيز الصحابه، تحقيق عادل احمد الموجود و دیگران، بيروت: دار الکتب...
.....
- ابن حزم، علی بن احمد (1412ق)، اسماء الصحابه الرواه، تحقيق سيد كسروي حسن، بيروت: دار الکتب...
.....
- ---- (1415ق)، اصحاب الفتيا من الصحابه و التابعين، تحقيق سيد كسروي حسن، بيروت: دار الکتب...
.....
- ابن سعد، محمد (1410ق)، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الکتب...
.....
- ابن شبه نمیری، عمر (1410ق)، تاريخ المعجم المنوره، تحقيق حبيب محمود احمد، ج 1، قم: دار الفکر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (1404ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقيق علی أكبر غفاری، قم: مؤسسه... النشر الاسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (1414ق)، اقبال الاعمال، تحقيق جواد القيومي الاصفهانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ---- (1399ق)، الطرائف فی معجم الطوائف، قم: خیام.
- ---- (1413ق)، التحصين لاسرار ما زاد من اخبار كتاب اليقين، تحقيق الانصاری، قم: مؤسسه دار الکتب الجزائری.
- ---- (1413ق)، اليقين، تحقيق الانصاری، قم: مؤسسه دار الکتب.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (1415ق)، الاستيعاب فی معرفه الاصحاب، تحقيق عادل احمد الموجود و دیگران، بيروت: دار الکتب...
.....
- ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبدالله (1416ق)، فتوح مصر و اخبارها، تحقيق محمد الحجیري، بيروت: دار الفکر.
- ابن عساکر، علی بن الحسن (1415ق)، تاريخ... دمشق، تحقيق علی شیري، بيروت: دار الفکر.

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (1413ق)، الاشیعیه و السياسه، تحقیق علی شیر، ج 1، قم: منشورات شریف رضی.
- ---- [بی تا]، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: دار المعارف.
- ابن قدامه مقدسی عبدالله [بی تا]، المغنی، تحقیق جبهه من العلماء، ج 5، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن کثیر، ابوالقداء اسماعیل [بی تا]، جامع المسانید و السنن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن هشام عبدالملک [بی تا]، السیر النبویه، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن یونس، عبدالرحمان (1421ق)، تاریخ مصرین، عبدالفتاح فتحی عبدالفتاح، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن [بی تا]، تلخیص فہوم اهل الاثر، قاهرہ: دار الکتب العلمیہ.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (1376ق)، مناقب آل ابي طالب، تحقیق من اساتذہ النجف الاشرف، نجف: الحیدریہ.
- ابو نعیم، احمد بن عبدالله (1406ق)، دلائل النبوه، تحقیق محمد رواس قلعه جی و عبدالبر عباس، بیروت: دار النفاثس.
- ---- (1419ق)، معرفه الصحابه، تحقیق عادل بن یوسف العزازی، ریاض: دار الوطن للنشر.
- احمد بن حنبل [بی تا]، المسند، بیروت: دار صادر.
- احمد عبدالرحمن الصویان (1410ق)، صحائف الصحابه، به کوشش سعدی الهاشمی مسفر الدینی، [بی جا]: [بی نا].
- احمدی میانجی، علی (1412ق)، مکاتیب الرسول، تهران: دار الحدیث.
- اشعری قمی، احمد بن محمد (1408ق)، النوادر، قم: مؤسسۃ الامام المہدی (ع).
- امام سجاده علی بن الحسین (ع) (1411ق)، تحقیق محمد باقر موحد ابطحی، قم: مؤسسۃ الامام المہدی (ع) و مؤسسۃ الانصاریان.
- امین، سید محسن (1403ق)، اعیان الشیعہ، ج 4، بیروت: دار التعارف.
- امینی، عبدالحسین (1397ق)، الغدیر، بیروت: دار الکتب العربی.
- بابایی، علی اکبر (1387)، تاریخ تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسۃ امام خمینی (ره).
- باجی، سلیمان بن خلف [بی تا]، التعلیل و التجریح، تحقیق احمد البزار، ج 1، مراکش: وزاره الاوقاف
- بخاری، محمد بن اسماعیل (1401ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر.
- ---- [بی تا]، تاریخ الکبیر، تحقیق محمد عبدالمعید خان، بیروت: دار الفکر.
- بغوی، عبدالله بن محمد (1421ق)، معجم الصحابه، تحقیق محمد الامین الجکمی، ج 1، کویت: دار البیان.
- ترمذی، محمد بن عیسی (1403ق)، سنن الترمذی، تحقیق عبد الوهاب عبد اللطیف، ج 5، بیروت: دار الفکر.
- جلالی، سید محمدرضا (1418ق)، تدوین السنه الشریفه، [بی جا]: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- جوهری، احمد بن عبیدالله [بی تا]، مقتضب الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، قم: مکتبه الطباطبائی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (1400ق)، علوم الحدیث، تحقیق سید معظم حسین، بیروت: دار الآفاق الجدیده.
- ---- (1406ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف المرعشلی، بیروت: دار المعرفه.
- حلّی، حسن بن یوسف (1402ق)، خلاصه الاقوال، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، قم: منشورات الرضی.

- (1410ق) الاحكام، تحقيق سيد مهدي الرجائي، ج 1، قم: مؤسسة اسماعيليان.
- حميري، عبدالله بغدادی (1413ق)، قرب الاسناد، تحقيق موسسه آل البيت لاحياء التراث، قم: مهر.
- خطيب بغدادی، احمد بن علی (1406ق)، الکفایه فی علم الروایه، تحقيق احمد عمر هاشم، بیروت: دار الكتاب العربی.
- خلیفه بن خیاط (1414ق)، التاریخ، تحقيق سهیل زکار، بیروت: دار الفکر.
- دینوری، ابوحنیفه (1960م)، الاخبار الطوال، تحقيق عبد المنعم عامر، [بی جا]: دار احیاء الکتب العربی
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (1413ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط و حسين الاسد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الرساله.
- [بی تا]، تذکره الحفاظ، تحقيق شيخ زكريا عميرات، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- زرکلی، خیرالدین (1410ق)، الاعلام، بیروت: دار العلم للملایین.
- سزگین، فؤاد (1412)، تاریخ التراث العربی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- سیوطی، جلال الدین (1410ق)، اسعاف المبطأ فی رجال الموطأ، تحقيق موفق فوزی جبر، بیروت: دار الهجره.
- (1418ق)، حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهرة، تحقيق خليل منصور، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شوشتری، محمد تقی (1415ق)، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (1404ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقيق علی اکبر غفاری، قم: جمعه المدرسین.
- (1417ق)، الامالی، تحقيق •••••، قم.
- [بی تا]، الخصال، تحقيق علی اکبر غفاری، قم: جمعه المدرسین.
- [بی تا]، کمال الدین، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جمعه المدرسین.
- طبرانی، سلیمان بن احمد [بی تا]، المعجم الکبیر، تحقيق حمدي عبدالمجيد السلفی، قاهره: دار الکتب العلمیه.
- طبری، محمد بن جریر (1387ق)، تاریخ الطبری، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (1411ق)، الغیبه، تحقيق عباد الله الطهرانی و شيخ علی احمد الناصح، قم: ••••• المعارف الاسلامیه.
- (1411ق)، مصباح المتعجد، بیروت: ••••• قه الشيعه.
- (1414ق)، الامالی، تحقيق •••••، قم: دار التفتحه.
- (1404ق)، اختيار معرفه الرجال، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم: مؤسسة آل البيت.
- (1415ق)، الرجال، تحقيق جواد القیومی، قم: جمعه المدرسین.
- عماد الدین طبری، محمد بن علی (1420ق)، بشاره المصطفیٰ المرتضیٰ، تحقيق جواد القیومی الاصفهانی، قم: دار الکتب العلمیه.
- النشر الاسلامی.
- قاضی نعمان مصری (1412ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، تحقيق سيد محمد حسینی جلالی، قم: دار الکتب العلمیه.
- النشر الاسلامی.
- قمی، محمد بن احمد بن شاذان (1407ق)، •••••، تحقيق محمد باقر بن مرتضی الموحّد الابطحي، قم: •••••
- الامام المهدي.

- قمی، شاذان بن جبرئیل (1381)، *الفضائل، نجف*، انتشارات الحیدریه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1363 ش)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کوفی، محمد بن سلیمان (1412 ق)، *مناقب امیر المؤمنین (ع)*، تحقیق محمد باقر المحمودی، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- مالک بن انس (1407 ق)، *المدونه الکبری*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مامقانی، عبدالله (1424 ق)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق محبی الدین مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت.
- مجلسی، محمد باقر (1403 ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مزنی، ابوالحجاج یوسف (1414 ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، تحقیق سهیل ذکار، بیروت: دار الفکر.
- مسعودی، علی بن الحسین (1409 ق)، *مروج الذهب*، ج 3، قم: مؤسسه دارالهجره.
- ---- [بی تا]، *التنسیه و الاشراف*، تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی.
- معروف الحسنی، هاشم (1398 ق)، *دراسات فی الحدیث و المحدثین*، بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
- مفید، محمد بن نعمان (1413 ق)، *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ---- (1413 ق)، *الإرشاد*، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ---- (1413 ق)، *الامالی*، تحقیق علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ---- (1413 ق)، *الجمال*، تحقیق سید علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ---- (1414 ق)، *مسار الشیعه*، تحقیق مهدی نجف، بیروت: دار المفید.
- نسائی، احمد بن شعیب (1411 ق)، *السنن الکبری*، تحقیق عبد الغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم [بی تا]، *تهذیب*، قم: مؤسسه الصدوق.
- واقفی، حسین (1378 ش)، *جابر بن عبدالله الأنصاری حیاته و مسنده*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- واقفی، محمد بن عمر (1417 ق)، *فتوح الشام*، تحقیق عبداللطیف عبدالرحمن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ---- (1409 ق)، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ---- (1369 ش)، *مغازی*، تاریخ جنگهای پیامبر (ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ 2.
- هدایت پناه، محمدرضا (1391)، *زیربان و تدوین سیره نبوی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ---- (1390)، *شیعه بنیانگذار دانش صحابه‌نگاری*، مجله علمی پژوهشی «پژوهش‌نامه تاریخ اسلام»، ش 4.
- هور وفتس، یوسف (1421 ق)، *المغازی الاولی و مؤلفوها*، ترجمه حسین نصار، قاهره: مکتبه خانجی.